

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۲/۰۸

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

موضوع: مباحثی پیرامون تختم به یمین و تختم به یسار

بحث ما در رابطه با شعائر دینی بود؛ عرض شد شهادت ثالثه جزء شعائر دینی و مذهبی است و اهل سنت هم با توجه به رعایت بعضی از شعائر خودشان برخی از مستحبات را ترک می‌کنند تا به شیعیان مشتبه نشوند.

به دیگر سخن اهل سنت در رعایت شعائر خود تا این اندازه مقید هستند که سنت پیغمبر اکرم را ترک کنند تا به شعائر دیگران عمل نکنند و خود ملتزم به برخی از شعائر خودشان باشند. «ترمذی» قضیه «عبدالله بن جعفر» را نقل می‌کند می‌گوید:

«وقال عبد الله بن جعفر كان النبي يتختم في يمينه»

عبدالله بن جعفر هم گفت: پیغمبر اکرم انگشتر را در دست راست قرار می‌دادند.

«هذا أصح شيء روي في هذا الباب»

این روایت، صحیح‌ترین روایتی است که در این باب وارد شده است.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۱۷۴۴

این روایت در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد اول صفحه ۲۰۴ هم وارد شده است. همچنین در کتاب «سنن نسائی» این روایت از «انس بن مالک» نقل شده است و می‌گوید:

«عن أنس أن النبي كان يتختم في يمينه»

پیغمبر اکرم همیشه انگشتر را در دست راست خود قرار می‌دادند.

السنن الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ - ١٩٩١، الطبعة: الأولى، تحقيق: د.عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ج ٥، ص ٤٥١، ح ٩٥١٩

این روایت در کتاب «سنن نسائی مختصر» جلد ٨ صفحه ١٩٣ و کتاب «مسند ابو یعلی» جلد ٥ صفحه ٤٢٧ وارد شده است. آقای «گنجی شافعی» که یکی از علمای بزرگ شافعی و مورد تأیید علمای اهل سنت است، کتابی به نام «کفایة الطالب» دارند که در آن می‌نویسند:

«إن عليا عليه السلام كان يتختم في اليمين»

علی بن ابی طالب انگشتر را در دست راستشان قرار می‌دادند.

«ترمذی»، «ابو داود سجستانی»، «احمد بن حنبل»، «ابن ماجه قزوینی»، «ابو یعلی» و دیگران آورده‌اند:

«إن النبي صلى الله عليه وآله والعترة والصحابة تختموا في أيمنهم»

پیغمبر اکرم، اهل بیت و صحابه انگشتر را در دست راست قرار می‌دادند.

«وعد الجاحظ في كتاب نقوش الخواتيم أن الأنبياء من آدم إلى النبي صلى الله عليه وآله تختموا في أيمنهم»

جاحظ در کتاب نقوش خواتیم می‌نویسد: پیامبران از حضرت آدم تا خاتم انگشتر را در دست راست قرار می‌دادند.

«وخلعه ابن العاص من یمینه ولبسه فی شماله وقت التحکیم»

عمرو عاص از ساده لوحی «ابو موسی اشعری» سوءاستفاده کرد و گفت: همان‌طور که انگشترم را -که در دست راستش بود- درآوردم، علی بن ابی طالب را هم از خلافت عزل کردم. او سپس انگشتر را در دست چپ خود کرد و گفت: همان‌طور که این انگشتر را در دست چپ خود کردم، این خلافت را برای معاویه نصب کردم. عزل امیرالمؤمنین از خلافت و نصب معاویه برای خلافت با در آوردن انگشتر از دست راست و فرو بردن در دست چپ بوده است. «راغب اصفهانی» در «محاضرات» دارد که:

«أن أول من تختم فی الیسار معاویة»

اولین کسی که انگشتر را در دست چپ قرار داد، معاویه بود.

«فلبس المخالف فی شماله، علامة ضلالتة»

کسانی که انگشتر در دست چپ قرار می‌دهند نشانه گمراهی آنهاست، بخاطر استمرار در خلع علی ابن ابی طالب در امامت.

الصراط المستقیم، نویسنده: علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی، ج ۳، ص ۲۰۶، ح ۵۸

«زمخشری» متوفای ۵۳۸ هجری تعبیر زیبایی دارد و می‌گوید:

«عائشة رضی الله عنها: كان النبی یتختم فی یمینه، وقبض والخاتم فی یمینه»

عایشه نقل می‌کند: پیغمبر اکرم انگشتر را در دست راست قرار می‌داد و روزی هم که از دنیا رفت، انگشتر در دست راست پیامبر بود.

«وذكر السلامی: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتختم في يمينه والخلفاء بعده»

همچنین از قول سلامی نقل شده است: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خلفای بعد از آن بزرگوار همگی انگشتر را در دست راست قرار می‌دادند.

«فنقله معاوية إلى اليسار»

نقل شده است معاویه انگشتر را به دست چپ منتقل کرد.

«فأخذ المروانية بذلك»

آل مروان هم به این قضیه عمل کردند.

«ثم نقله السفاح إلى اليمين»

سپس سفاح انگشتر را به دست راست انتقال داد.

«فبقى إلى أيام الرشيد فنقله إلى اليسار»

این فعل باقی ماند تا زمانی که هارون الرشید انگشتر را به دست چپ انتقال داد.

«فأخذ الناس بذلك»

مردم هم بعد از او انگشتر را در دست چپ قرار دادند.

ربیع الأبرار، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: ٥٣٨ هـ)،

ج ١، ص ٣٩٤، باب الألوان، والنقوش، والوشم، والتساوير

در حقیقت انگشتر قرار دادن به دست راست و چپ به یک موضوع سیاسی و نشانه اموی بودن تبدیل شد.

گفتنی است روایات دو دسته هستند؛ یک دسته از روایات قاطعانه دستور می‌دهند که انگشتر در دست راست قرار بگیرد. دسته دیگری از روایات دستور می‌دهند که انگشتر در دست چپ قرار بگیرد.

همچنین روایاتی از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نقل شده است که انگشتر را در دست چپ قرار می‌دادند.

با توجه به نکاتی که از «زمخشری» و دیگران نقل شد مبنی بر اینکه قضیه انگشتر قرار دادن در دست چپ به قضیه‌ای سیاسی تبدیل شد که مخالفین حکومت را متهم به شیعی بودن می‌کردند و چه بسا موجب هتک حرمت یا نابودی او می‌شد. در اینطور موارد ائمه اطهار (علیهم السلام) دستور می‌دادند انگشتر را در دست چپ قرار دهند. همچنین اگر از چند تن از اهل بیت نقل شده است، بخاطر تقیه بوده است.

«مرحوم شیخ حر عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «باب استحباب التختم فی الیمین» دارند. بنده چند مورد از روایات را انتخاب کردم و تقاضا دارم دوستان دقت کنند. روایتی از امام حسن عسگری (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِيْنَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِيْنَ وَ التَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

علامات مؤمن پنج مورد است؛ پنجاه رکعت نماز خواندن در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست قرار دادن، پیشانی روی خاک قرار دادن در سجده و به جهر خواندن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در نماز ظهر و عصر.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۱۴، ص ۴۷۸، ح ۱۹۶۴۳

مراد از «صَلَاةُ الْحَمْسِينَ» در این روایت نمازهای واجب به ضمیمه نوافل می‌باشد. این روایت همچنین در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد ۶ صفحه ۵۲ وارد شده است.

روایت دیگری از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است که حضرت وصیت پیغمبر اکرم را به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کند و می‌گوید:

«يَا عَلِيُّ تَحَنُّمٌ بِالْيَمِينِ فَإِنَّهَا فَضِيلَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُقَرَّبِينَ»

یا علی! انگشتر را به دست راست انداز، زیرا فضیلتی از جانب خداوند برای مقربین است.

«قَالَ بِمِ اتَّخَذْتُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

امیرالمؤمنین عرض کرد: چه انگشتری را انتخاب کنم؟

«قَالَ بِالْعَقِيقِ الْأَحْمَرِ فَإِنَّهُ أَوْلُ جَبَلٍ أَقْرَبُ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِي بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لَكَ بِالْوَصِيَّةِ وَ لِيُؤَدِّكَ بِالْإِمَامَةِ وَ لِيُشِيَعَتِكَ بِالْجَنَّةِ وَ لِأَعْدَائِكَ بِالنَّارِ»

حضرت فرمود: عقیق سرخ، زیرا اولین کوهی است که به ربوبیت خداوند و پیامبری من و جانشینی تو و امامت فرزندان تو و اهل بهشت بودن شیعه تو و اهل جهنم بودن دشمنان تو گواهی داده است.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۲، ح ۵۹۸۰

البته همان طور که عزیزان در سند این روایت می بینند، «حماد بن عمر» است که مجهول است و کسی در توثیق او مطلبی نگفته است. همچنین «أنس بن محمد» چنین وضعیتی دارد و هر دو طریق به خاطر جهل «حماد بن عمر» مشکل دارند.

همچنین در کتاب «علل الشرایع» روایت صحیحی نقل شده است. «عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری» ثقة است، «علی بن محمد بن قتیبه» ثقة است، «فضل بن شاذان» ثقة است و «محمد بن ابی عمیر» هم فوق ثقة است.

راوی می گوید به حضرت موسی بن جعفر عرض کردم: تختم به یمین امیرالمؤمنین به چه جهت بوده است؟!

«فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ يَتَخْتَمُ بِيَمِينِهِ لِأَنَّهُ إِمَامُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ»

حضرت فرمود: امیرالمؤمنین به این خاطر انگشتر را در دست راست قرار می دادند، زیرا امام اصحاب الیمین بعد از رسول الله هستند.

«وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ تَعَالَى أَصْحَابَ الْيَمِينِ»

و خداوند عالم اصحاب یمین را در قرآن کریم مدح کرده است.

«وَدَّمَ أَصْحَابَ الشُّمَالِ»

و اصحاب شمال را هم مذمت فرموده است.

«وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَتَخْتَمُ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ عَلَامَةٌ لِشِيعَتِنَا يَغْرُقُونَ بِهِ»

پیغمبر اکرم انگشتر را در دست راست می‌کردند و این علامت شیعیان ماست و به آن شناخته می‌شوند.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۱

این مطلب هم نکته ظریفی است. آقایان که می‌گویند: "تختم به یمین" از شعائر شیعیان است به این جهت است که امام کاظم هم همین تعبیر را دارند. امام کاظم می‌فرماید: انگشتر در دست راست انداختن علامت شیعیان ماست و با آن شناخته می‌شوند.

این روایت همچنین در کتاب «وسائل الشیعه» جلد ۵ صفحه ۸۲ حدیث ۵۹۸۱ وارد شده است. این روایت صحیح است به این معنا که اگر همین یک روایت هم باشد برای ما کفایت می‌کند گرچه روایات دیگر که ضعیف هم هست مؤید این روایت صحیح است.

روایت دیگری داریم که راویان آن «عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب» مجهول است، «محمد بن ابراهیم» مجهول است، «ابو قریش» مجهول است، «عبدالجبار» مجهول است، «محمد بن منصور» ثقه است و «عبدالله بن میمون قداح» هم ثقه است.

روایت از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَتَخْتَمُ بِيَمِينِهِ»

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۲

در کتاب «عیون أخبار الرضا» روایتی از «محمد بن علی بن أسلم» و «حسن بن محمد بن عبدالله» از پدرش «محمد بن عبدالله رازی» نقل شده است که هرسه مجهول هستند.

«إِنَّ النَّبِيَّ يَتَخْتَمُ فِي يَمِينِهِ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۲، ص ۶۳، ج ۲۶۸

روایت دیگر از عده‌ای از اصحاب است که در میان اصحاب چه از «احمد بن محمد بن خالد» نقل کنند و چه از «سهل بن زیاد آدمی» و چه از «احمد بن محمد بن عیسی» در میان عده افراد ثقه هستند.

عده‌ای که مروی عنه «محمد بن یعقوب» است، اشکالی به وثاقت روایت نمی‌زند. «احمد بن محمد بن خالد برقی» هم ثقه است، «محمد بن علی ابو سمینه» هست که علما او را ضعیف خوانده‌اند.

«عرزمی» ثقه است، اما روایت به خاطر «محمد بن علی ابو سمینه» ضعیف است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَتَخْتَمُ فِي يَمِينِهِ»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۳، ج ۵۹۸۵

به دلیل اینکه ما روایات صحیح داریم، این روایات ضعیف مؤید هستند. اگر روایت صحیح هم نداشتیم، سه روایت ضعیف می‌تواند مؤید هم باشد و روایت مستفیض شود.

روایت دیگری نقل شده است که ابتدای آن «و عنه» آورده شده که یعنی از «عده» عن «سهل بن زیاد» عن «جعفر بن محمد اشعری».

بنا به تحقیق «سهل بن زیاد» ثقه است، «جعفر بن محمد اشعری» ثقه است، «عبدالله بن میمون قداح» ثقه است، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَتَخْتَمُ فِي يَمِينِهِ»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۳، ح ۵۹۸۶

بنابراین اگر سه روایت ضعیف داشتیم، آن روایات ضعیف مؤید روایات صحیح هستند که انسان می‌تواند بر صدور روایت از معصوم قطع پیدا کند.

روایت دیگر از «سهل بن زیاد» از «محمد بن عیسی» از «حسن بن خالد» از «أبي الحسن الثاني» مراد امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«أَنَّ النَّبِيَّ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةَ (عليهم السلام) كَانُوا يَتَخَتَّمُونَ فِي الْيَدِ الْيُمْنَى»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۳، ح ۵۹۸۷

این روایت هم مضمونا خیلی جالب است و هم سندا صحیح است. همین یک روایت هم برای ما کفایت می‌کند که سیره نبی مکرم و ائمه اطهار را در اینجا قاطعانه از امام رضا (علیه السلام) نقل کنیم.

راویان روایت دیگر «علی بن ابراهیم بن صالح بن سندی»، «جعفر بن بشیر» و «عبدالرحمن بن محمد عزمی» نقل شده است که هر سه ثقه هستند. در این روایت هم وارد شده است:

«أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۴، ح ۵۹۸۸

ما چهار روایت صحیح، یک روایت ضعیف و چند روایت دیگر با راویان مجهول داشتیم. حال روایاتی را بررسی می‌کنیم که مربوط به یسار است.

«علی بن اسباط» از «علی بن جعفر» نقل می‌کند. در سند این روایت هم «محمد بن علی ابو سمینه» است که گفتیم ضعیف است.

حضرت می‌فرماید: از برادرم موسی بن جعفر (علیه السلام) سؤال کردم از انگشتر که آیا باید در دست راست باشد یا خیر؟! حضرت فرمود: اگر خواستید در دست راست و اگر خواستید در دست چپ قرار دهید.

این روایت ضعیف است. روایت بعد هم به خاطر «یحیی بن ابی العلاء» مجهول است.

«كَانَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَتَخْتَمَانِ فِي يَسَارِهِمَا»

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۰، ح ۵۹۷۴

روایت بعد از «سهل ابن زیاد»، «جعفر بن محمد اشعری»، «عبدالله بن میمون قداح» وارد شده است که می‌گوید:

«كَانَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَتَخْتَمُونَ فِي أُيْسَارِهِمْ»

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۰، ح ۵۹۷۵

این روایت از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است و شکی نیست که از روی تقیه صادر شده باشد. روایت از نظر سند مشکلی ندارد. در روایت بعد وارد شده است «حسن بن علی بن شعبه» در «تحف العقول» از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت مرسلی نقل می‌کند:

«أَنَّه قَالَ لِشَيْعَتِهِ فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ أَمْرُنَاكُمْ بِالتَّخْتُمِ فِي الْيَمِينِ وَ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِكُمْ»

امام حسن عسکری در سال دویست و شصت قمری خطاب به شیعیان فرمودند: تاکنون امر ما این بود که انگشترتان را به دست راست بگذارید. این در حالی بود که ما در میان شما حاضر بودیم.

«وَالآن نَأْمُرُكُمْ بِالتَّخْتُمِ فِي الشُّمَالِ لِيُعَيِّنَنَا عَنْكُمْ إِلَى أَنْ يَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَنَا وَ أَمْرَكُمْ»

ولی اکنون امر می‌کنیم انگشتری را به دست چپ کنید به جهت آنکه ما از میان شما غائب می‌شویم تا زمانی که پروردگار امر ما و امر شما را ظاهر کند.

البته این روایت مرسل است و سندی برای آن ذکر نشده است. مراد از فرمایش امام حسن عسکری این است: الآن که دسترسی به ما ندارید و احکام واقعی و تقیه‌ای را از ما نمی‌شنوید از این جهت که متهم نشوید و حکومت برای شما در دسر درست نکند انگشتر را در دست چپ قرار دهید.

«فَخَلَعُوا خَوَاتِيمَهُمْ مِنْ أَيْمَانِهِمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَبَسُوهَا فِي شِمَائِلِهِمْ وَ قَالَ لَهُمْ حَدِّثُوا بِهَذَا شَيْعَتَنَا»

همان لحظه شیعیان در حضور امام انگشترهای خود را از دست بیرون کرده و در دست چپشان قرار دادند و حضرت به آنان فرمودند: این قضیه را برای شیعیان ما نقل کنید.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم

السلام، ج ۵، ص ۸۱، ح ۵۹۷۸

البته عرض کردیم که این روایت ضعیف است. «مرحوم صاحب وسائل» در همین جلد پنجم صفحه ۸۱ می‌گوید:

این احادیث یا حمل بر جواز است از این جهت که انسان هم می‌تواند انگشتر خود را در دست راست و هم می‌تواند در دست چپ قرار دهد و یا حمل بر تقیه هست.

«لَأَنَّ الْاِقْتِصَارَ عَلَى التَّخْتُمِ فِي الْيَسَارِ مِنْ سُنَّةِ مُعَاوِيَةَ وَ بَنِي أُمِيَّة»

قطعاً انگشتر در دست چپ قرار دادن از سنت معاویه و بنی امیه است.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم

السلام، ج ۵، ص ۸۱، بَابُ جَوَازِ التَّخْتُمِ فِي الْيَمِينِ وَ فِي الْيَسَارِ

مرحوم «علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» ذیل همین روایاتی که نقل شد، می‌گوید:

«و الأظهر أن التختم باليسار محمول على التقية»

روایاتی که بیان می‌کند: انگشتر به دست چپ اندازید، حمل بر تقیه است.

«لما قد ورد في الروایات أنه من بدع بني أمية»

در روایات وارد شده است انگشتر به دست چپ انداختن از بدعت‌های معاویه و بنی امیه است.

«و يمكن حمله على أنهم كانوا يتختمون باليسار أيضا بشيء ليس فيه شرافة»

ممکن است چنین باشد که آن‌ها انگشتر به دست چپ می‌انداختند و این شرافتی ندارد.

فضیلت در دست راست است، انگشتر زینت است و زینت هم باید در شیء شریف قرار گیرد.

«أو كانوا يحولونها عند الاستنجاء»

شاید این کار را به خاطر استنجاء انجام می‌دهند.

شاید به دلیل اینکه استنجاء معمولاً در سمت چپ صورت می‌گیرد، آن‌ها به هنگام استنجاء انگشتر را از سمت

چپ درمی‌آوردند و در سمت راست قرار می‌دادند.

«و يؤيد الأول ما رواه محمد بن شهر آشوب في كتاب المناقب من عدة كتب أن النبي صلى الله عليه و آله
كان يتختم في يمينه، و الخلفاء الأربع بعده»

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از برخی کتب نقل کرده است که پیغمبر اکرم و خلفای اربعه انگشتر در
دست راست قرار می‌دادند.

«فنقلها معاوية إلى اليسار و أخذ الناس بذلك»

معاویه انگشتر را در دست چپ قرار داد و مردم هم همین کار را انجام دادند.

«فبقى كذلك أيام مروان»

بنی مروان هم همین کار را انجام دادند.

«فنقلها السفاح إلى اليمين»

سفاح اولین خلیفه عباسی انگشتر را به دست راست انتقال داد.

«فبقى إلى أيام الرشيد فنقلها إلى اليسار و أخذ الناس بذلك»

هارون الرشید انگشتر را به دست چپ انتقال داد و مردم هم به تبع او این کار را انجام دادند.

«و اشتهر أن عمرو بن العاص عند التحكيم سلها من يده اليمنى، و قال: خلعت الخلافة من على عليه
السلام كخلعى خاتمي هذا من يميني»

عمرو عاص در قضیه تحکیم جنگ صفین انگشتر را از دست راست درآورد و گفت: من علی بن ابی
طالب را از خلافت خلع کردم، همان‌طور که انگشتر را از انگشتم خلع کردم.

«و جعلتها في معاوية كما جعلت هذا في يساري»

خلافت را در معاویه قرار دادم، همان‌طور که انگشتر را در دست چپ قرار دادم.

«فهذا هو السبب في ابتداء معاوية لعنه الله ذلك»

همین امر باعث شد که معاویه این قضیه را به عنوان یک امر رسمی بگیرد.

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۲۲، ص ۳۵۵، بَابُ الْخَوَاتِيمِ

این روایت همچنین در کتاب «کافی» پاورقی جلد ۶ صفحه ۴۷۰ از «مرآة العقول» نقل شده است.

خلاصه مجموع بحث این شد که سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) با روایات صحیحی که داریم بر انگشتر به دست راست انداختن است و این به شعار شیعه تبدیل شده است. اگر در روایاتی دست چپ ذکر شده است قطعاً برای تقیه و حفظ جان و آبروی شیعه بوده است.

در بعضی از زمان‌ها شیعیان به این کار عمل می‌کردند، البته در جایی که خوف و ترسی نبوده است. در روایات هم وارد شده است: علامات مؤمن پنج چیز است که یکی از آن‌ها تخطم به یمین است.

بعضی از فقهای اهل سنت گفته‌اند: به دلیل اینکه این کار شعار روافض است، ما انگشتر را در دست چپ قرار می‌دهیم بر خلاف سنت پیغمبر اکرم، سنت خلفا، سیره رسول الله و سیره خلفا!

این مطالب تمامی مباحث پیرامون بحث تخطم به یمین است. ما دو مورد داریم مبنی بر اینکه بعضی از افراتیون اهل سنت معتقدند به دلیل اینکه این کار به شعار شیعه تبدیل شده است، ما باید این شعار را ترک کنیم ولو اینکه مستند به سنت پیغمبر اکرم باشد - که ما این را در جلسه آینده بحث خواهیم کرد-.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته